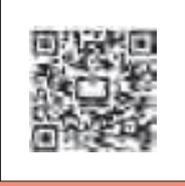


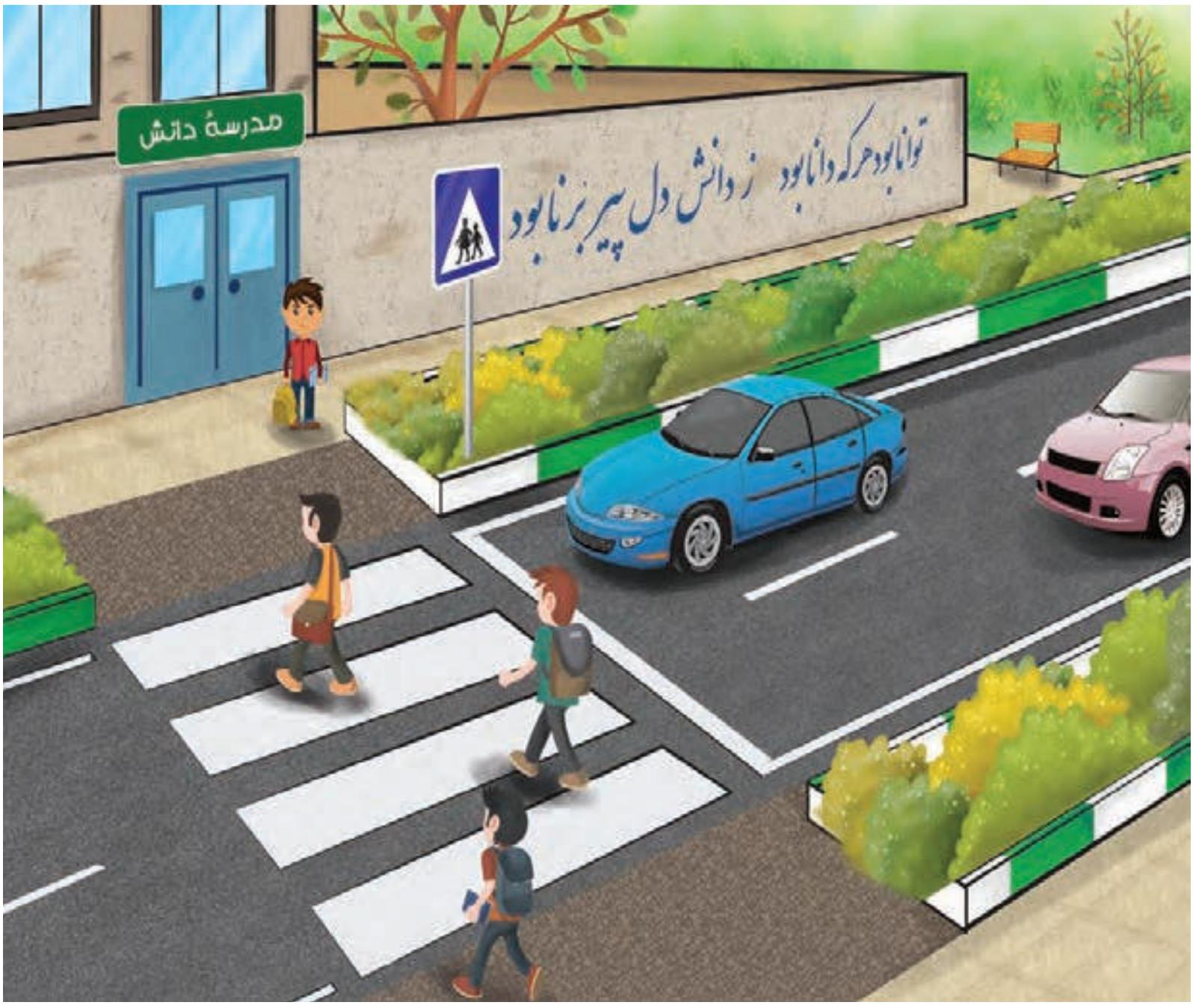
درس دوم



الدَّرْسُ الثَّانِي



الْعُبُورُ الْأَمِينُ عبور ایمن



درس دوم

الدَّرْسُ الثَّانِي

الْمُعْجَم: (۲۹ کلمه جدید)

واژه نامه

پوشاند، پنهان کرد	سَتَرَ:	ایمان آورد (مضارع: يُؤْمِنُ)	آمَنَ:
شارژر موبایل	شَاخِرُ الْجَوَالِ:	محبوب ترین	أَحَبُّ:
بدبختی	شَقَاوَةٌ:	علامت های راهنمایی و رانندگی	إِشَارَاتُ الْمُرُورِ:
روزنامه «جمع: صُحُف» صحیفه جِداریّه: روزنامه دیواری	صَحِيفَةٌ:	ادارهٔ الْمُرُورِ: ادارهٔ راهنمایی و رانندگی مُرور: گذر کردن	جمع مونث سالم
برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ) برخورد می کند	صَدَمَ:	اندرزگوترین	أَنْصَحَ:
ناگهان	فَجَاءَةً:	آیا امکان دارد برگردی؟	أَيُمْكِنُ أَنْ تَرْجِعَ:
زشتی #جمال: زیبایی	قُبْح:	گریه کردن، گریه	بُكَاء:
قطعا	لَقَدْ:	بعدي الْيَوْمَ التَّالِي: روز بعد	تَالِي:
برای چه (ل + ما)	لِمَ:	به من می دهی أَنْ تُعْطِيَنِي: که به من بدهی	تُعْطِيَنِي:
آنچه	مَا:	بفرما صحبت می کند	تَفَضَّلْ:
مغازه = دکان	مَحَلَّ:	صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)	تَكَلَّمَ:
متأسفانه	مَعَ الْأَسْفِ:	وجود دارد	تَوَجَّدُ:
صدا زد (مضارع: يُنَادِي) صدا می زند	نَادَى:	جهت (مسیر)	جِهَةٌ:
آرام	هَادِي:	باهوش	ذَكِي:
می بندند (ماضی: سَدَّ / مضارع: يَسُدُّ)	يَسُدُّونَ:	بستری شد، خوابید (مضارع: يَرْقُدُ)	رَقَدَ:

می خوابد، بستری می شود

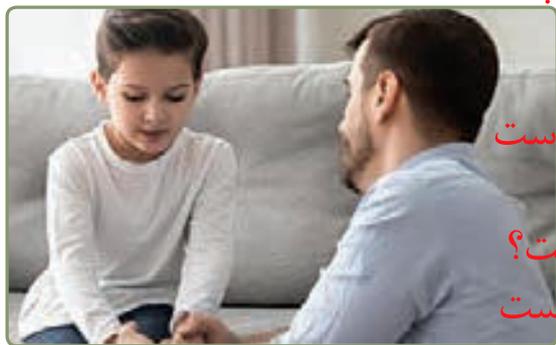
عبور ایمن

الْعُبُورُ الْأَمِنُ

سجاد با ناراحتی از مدرسه برگشت هنگامی که با خانواده اش کنار سفره نشست

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ نَاكِهَانَ شُرُوعَ بِيْهِ كَرِيهَةً وَبِهِ اتَاقَشَ رَفْتِ يَدْرِشِ نَزْدِ اُو رَفْتِ وَبَا اُو صَحْبَتِ كَرْدِ وَاز اُو پَرَسِيدِ بِالْبُكَاءِ فِجَاةً وَ ذَهَبَ اِلَى عُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ اَبُوهُ اِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ:

«لماذا ما أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!» چرا غذا نخوردی؟



پاسخ داد: «ایا دوستم حسین را می شناسی؟»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»

پدر گفت: بله. او را می شناسم. او پسری باهوش و آرام است

قَالَ: «نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وُلْدٌ ذَكِيٌّ وَهَادِيٌّ.»

ماذا حَدَّثَ لَهُ؟» چه اتفاقی برایش افتاده است؟

سجاد پاسخ داد: «او در بیمارستان بستری است

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛

خودروای با او برخورد کرد حادثه روبروی من اتفاق افتاد هنگامی که او را در پیاده روی مقابل دیدم

صَدَمْتُهُ سَيَّارَةً؛ وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛

پس بدون نگاه به خودروها و غیر از گذرگاه پیاده قصد عبور کرد

او را صدا زدم

نَادَيْتُهُ؛ فَقَصَدَ الْعُبُورَ بَدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَ مِنْ غَيْرِ مَمَرٍ الْمُشَاةِ؛ فَكَرَبْتُ

پس خودروای نزدیک او شد و با او برخورد کرد

مِنْهُ سَيَّارَةً وَ صَدَمْتُهُ. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً.»

سرعت خودرو زیاد بود

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟» پدرش گفت: الان حالش چه طور است؟

قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ.» سجاد پاسخ داد او زخمی شده است

در روز بعد معلم از دانش آموزانش نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی و کشیدن علامت های

فِي الْيَوْمِ التَّالِي، طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَ رَسَمَ

راهنمایی و رانندگی در روزنامه دیواری و رعایت کردن اعمال درست در خیابان ها و راه ها را خواست

إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشُّوَارِعِ وَالطَّرِيقِ.

سپس مدیر دانش آموزان مدرسه را به پارک آموزش ترافیک برد

ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مَنطِقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

و بعد از دو روز پلیس برای توضیح علامت های راهنمایی و رانندگی از اداره راهنمایی و رانندگی به مدرسه آمد

وَ بَعْدَ يَوْمَيْنِ، جَاءَ شَرِطِيٌّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ

و از آنها درخواست عبور از گذرگاه پیاده را کرد

طَلَبَ مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرٍ الْمُشَاةِ.

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيهَا.

دانش آموزان روزنامه دیواری نوشتند و در آن علامت های راهنمایی و رانندگی را کشیدند و معانی

آن را توضیح دادند

یمین: راست # یسار: چپ



الدَّوْرَانُ عَلَى الْيَسَارِ
مَمْنُوعٌ.

گردش به چپ ممنوع



الدَّوْرَانُ عَلَى الْيَمِينِ
مَمْنُوعٌ.

گردش به راست ممنوع



مَمْنُوعُ الدُّخُولِ.
ورود ممنوع



مَمَرُ الْمَشَاةِ.

گذرگاه پیاده



مُرُورُ حَيَوَانَاتٍ أَهْلِيَّةٍ.

عبور حیوانات اهلی



إِشَارَةُ مُرُورِ الْمَشَاةِ.

علامت عبور پیادگان

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.



موضوع روزنامه دیواری قوانین راهنمایی و رانندگی بود

۱. كَانَ مَوْضُوعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينِ الْمُرُورِ.

مدیر دانشی آموزان را به پارک آموزش ترافیک برد

۲. الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مِنتَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

حسین در بیمارستان نزدیک خانه اش بستری شد

۳. رَفِدَ حَسِينُ فِي مُسْتَوْصَفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.

سجاد با خوشحالی به خانه اش برگشت

۴. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا.

پدر سجاد حسین را نشناخت

۵. أَبُو سَجَادٍ مَا عَرَفَ حَسِينًا.



از طریق مثال زدن هم خانواده می توان به حروف اصلی یک کلمه پی برد
 مثالی دیگر: کلمه احسان
 حسن، حسین، تحسین، محسن و غیره
 به ترتیب حروف ح - س - ن تکرار شده است

حروف اصلی	کلمات هم خانواده
ح ك م	حَاكِم، مَحْكُوم، حَاكِم، حِكْمَة، مُحَاكِمَة، حُكُومَة، أَحْكَام
ع ل م	عَالِم، مَعْلُوم، عَلِيم، تَعْلِيم، أَغْلَم، عُلُوم، إِعْلَام

در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده‌اند.

به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.

شناختن حروف اصلی به املا می‌کمک می‌کند. با نگاه به هم‌خانواده‌های یک کلمه می‌توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه‌ها «مَجَالِسَة / مَجَالِس / مَجْلِس / إِجْلَاس / جُلُوس / جَلْسَة / جَلِيس» نگاه کنیم؛ درمی‌یابیم که به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است.

سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

رافِع، مَرْفُوع، رَفِيع: **ر-ف-ع**

ناظِر، مَنظُور، نَظير: **ن-ظ-ر**

قادر، مَقْدور، قَدير: **ق-د-ر**

حروفی که همراه حروف اصلی می آیند؛ «حروف زائد» نامیده می شوند.
این حروف معنای جدیدی به کلمه می دهند.

حروف اصلی کلمه ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می شوند.

به جای حروف اصلی کلمه به ترتیب حروف ف-ع-ل قرار داده و حروف زائد را اضافه می کنیم

مُجَالَسَة	ا	سَ	لَ	ا	ج	مُ
مُفَاعَلَة	ا	عَ	لَ	ا	ف	مُ

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال:

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِر عَارِفِ ظَالِمِ فَاتِحِ قَاتِلِ ضَارِبِ رَافِعِ
مَفْعُول	مَنْصُورِ مَعْرُوفِ مَظْلُومِ مَفْتُوحِ مَقْتُولِ مَضْرُوبِ مَرْفُوعِ

کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مَفْعُول است؟

مَقْطُوعِ، حَامِدِ، عَابِدِ، مَذْكَورِ
مفعول فاعل فاعل مفعول

با معنای دو وزن «فاعِل» و «مَفْعول» آشنا شوید.

معمولاً وزن «فاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعول»

به معنای «انجام شده» است؛ مثال:

حامِد: ستاینده

مَحْمود: ستوده شده

ترجمه کنید.

یا صانِعٌ كُلِّ مَصْنوعٍ، یا خالِقٌ كُلِّ مَخْلوقٍ!

ای سازنده هر ساخته شده، ای آفریننده هر آفریده شده

تمرین ها التمرین

۱ التَّمْرینُ الْأَوَّلُ

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابد، مَعْبود:	ع - ب - د	عبادت کننده	عبادت شده
فاتِح، مَفْتوح:	ف - ت - ح	گشاینده	گشوده شده
کاتب، مَكْتوب:	ک - ت - ب	نویسنده	نوشته شده
ضارب، مَضْرُوب:	ض - ر - ب	زنده	زده شده
خادم، مَخْدوم:	خ - د - م	خدمت کننده	خدمت شده
شاهد، مَشْهُود:	ش - ه - د	بیننده	دیده شده

وزن کلمات جدول را بنویسید^۱.

ریشه	ماضی	مضارع	مصدر
خ ر ج	أَخْرَجَ	يُخْرِجُ	إِخْرَاجٌ
	أَفْعَلَ	يَفْعَلُ	أَفْعَالٌ
س ل م	سَلَّمَ	يُسَلِّمُ	تَسْلِيمٌ
	فَعَّلَ	يَفْعَلُ	تَفْعِيلٌ
ع م ل	تَعَامَلَ	يَتَعَامَلُ	تَعَامُلٌ
	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُلٌ
ع ل م	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلُّمٌ
	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ
خ د م	اسْتَخْدَمَ	يَسْتَخْدِمُ	اسْتِخْدَامٌ
	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعَلُ	اسْتِفْعَالٌ
س ف ر	سَافَرَ	يُسَافِرُ	مُسَافَرَةٌ
	فَاعَلَ	يُفَاعَلُ	مُفَاعَلَةٌ
ك س ر	انْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	انْكِسَارٌ
	انْفَعَلَ	يَنْفَعَلُ	انْفِعَالٌ
ش غ ل	اشْتَغَلَ	يَشْتَغَلُ	اشْتِغَالٌ
	افْتَعَلَ	يَفْتَعَلُ	افْتِعَالٌ

۱- قابل توجه دبیر گرامی: هدف، آموزش فعل‌های ماضی و مضارع و نیز مصدر ثلاثی مزید نیست.

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»
بعدي ديوارى شارژر دانش آموزى اشکها اتفاق افتاد

التَّالِي - جِدَارِيَّة - شَاحِنٌ - تَلْمِيذٌ - الدُّمُوعُ - حَدَثٌ

ای هم کلاسی ام. تو را چه شده؟ برای چه ناراحتی؟ چه اتفاقی افتاده؟

۱. یا زَمِيلِي، ما بِكَ؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا حدث؟

دانش آموزان مشغول تهیه روزنامه دیواری هستند

۲. التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةٍ **جداریه**.

۳. أَخِي **تلمیذ** فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ. **برادرم دانش آموزی در کلاس ششم ابتدایی است**

۴. **الدموع** جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطُّفْلِةِ. **اشکها بر روی صورت کودک جاری است**

۵. هَلْ عِنْدَكَ **شاحن** الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ؟ **آیا شارژر تلفن همراه داری؟**

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟

آرام **خودرو** **کشتی** **هوایما**

۱. هَادِيٌّ سَيَّارَةٌ سَفِينَةٌ طَائِرَةٌ

خیابان **میدان** **انگشتر** **پیاده رو**

۲. شَارِعٌ سَاحَةٌ خَاتَمٌ رَصِيفٌ

خورد **دید** **نگاه کرد** **دید**

۳. أَكَلٌ رَأَى شَاهَدَ نَظَرَ

آب **شربت** **چای** **همسایه**

۴. مَاءٌ شَرَابٌ شَايٌ جَارٌ

دست **زبان** **دندان** **صدازد**

۵. يَدٌ لِسَانٌ سِنٌّ نَادِيٌّ



آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آن‌ها بیابید.

فَاعِلٌ: **عالم** يَفْعَلُ: **يَسْتُرُ** فَعَالَةٌ: **سَعَادَةٌ وَ شَقَاوَةٌ**

فِعْلٌ: **علم** فِعَالٌ: **عِبَادٌ**

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ فاطر: ۳۸

قطعا خدا دانای نهان آسمان‌ها و زمین است

۲. حُسْنُ الْأَدَبِ **يَسْتُرُ فُبْحَ النَّسَبِ**. الإمام علي عليه السلام

با ادب بودن زشتی نسب را از بین می‌برد

عباد جمع مکسر عبد

۳. إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ **أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ**. رسول

قطعا محبوبترین بندگان نزد خدا، اندرزگوترین آنها به بندگانش است

۴. شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. الإمام علي عليه السلام

شرف آدمی به علم و ادب است نه اصل و نژاد

۵. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. رسول الله ﷺ



از خوشبختی آدمی زاد خوش اخلاقی و از بدبختی آدمی زاد بد اخلاقی است

**سعادته # شقاوه
خوشبختی # بدبختی**

تلگرام و اینستاگرام @dehghan_arabic

۸ التَّمْرِينُ الثَّامِنُ:

متن زیر را بخوانید؛ سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

من دانش آموز کلاس نهم هستیم اسم اسحاق است دو خواهر دارم مهدیم و لالین آن دو کوچکند
 أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ، هُمَا صَغِيرَتَانِ؛
 پسر به مدرسه نمی روند دو برادر دارم هاشم و جواد هاشم بزرگترین فرزند خانواده است
 فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادٌ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْإِسْرَةِ؛
 او از مدرسه فارغ التحصیل شده است و الان او شیرینی فروش است جواد در کلاس هفتم است
 إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حَلْوَانِيٌّ. جَوَادٌ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ
 مَدِينَةِ «سَرَاوَان» فِي مَحَافِظَةِ «سَيِسْتَان وَ بَلُوچِسْتَان».

ما از شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان هستیم

۱. لماذا لا تذهب مهديم و لالين إلى المدرسة؟ لأنها صغيرتان زیرا آن دو کوچکند

..... هاشم

۲. ما اسم أكبر البنين في هذه الأسرة؟
 چه کسی از مدرسه فارغ التحصیل شده است؟

..... هاشم

۳. من تخرج من المدرسة؟
 این خانواده اهل کجا هستند؟

من مدینه سراوان او من محافظه سیستان و بلوچستان
 از شهر سراوان یا استان سیستان و بلوچستان

۴. من أين هذه الأسرة؟

۵. في أيِّ صفِّ إسحاق؟ اسحاق در کدام کلاس است؟
 فی الصف التاسع در کلاس نهم

۶. كم أختاً لإسحاق؟ اسحاق چند خواهر دارد؟
 له أختان او دو خواهر دارد



بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ الْبَقَرَة: ۶۲

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کار نیکو انجام دهد، اجرشان نزد پروردگارشان است

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الْصَّف: ۲

ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا آنچه می گوید انجام نمی دهید؟

۳. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ الْأَحْزَاب: ۲۱

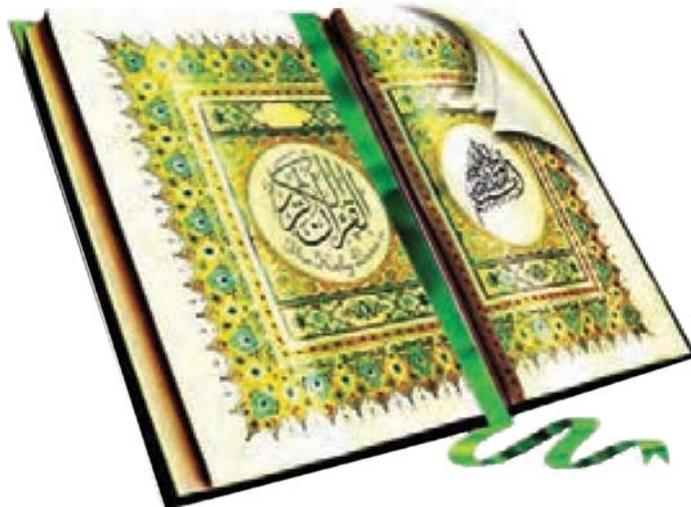
قطعا پیامبر خدا الگویی نیکو برای شماست

۴. ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۸۶

زمانی که بندگانم درباره من سوال کردند، (بگو) قطعا من نزدیکم

۵. ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ الْمَجَادَلَة: ۱۱

خدا کسانی از شما که ایمان آوردند بالا می برد



آیا امکان دارد کمی برگردی؟

- أَيْمِكُنْ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟

آیا جایی را به من می دهی تا اینجا بنشینم؟

- عَفْوًا؛ أَوْ تُعْطِينِي مَكَانًا حَتَّى أَجْلِسَ هُنَا؟

اشکالی ندارد

- لَا بَأْسَ.

بله بفرما

- نَعَمْ؛ تَفَضَّلْ.



آیا درب حرم امشب می بندند؟

- هَلْ يَسُدُّونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟

بخشید. ایستگاه خودروهای حرم کجاست؟

- عَفْوًا أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟

آیا خودروهای عتبات برای رفتن به سامرا وجود دارد؟

- هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٌ لِلْعَتَبَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَامَرَاءَ؟

- نَعَمْ. **بله**

پشت این ساختمان

- خَلْفَ هَذَا الْبِنَاءِ.

- لَا، مَعَ الْأَسْفِ. **نه. متأسفانه**

آیا ممکن است به من کمک کنی؟

- لَا بَأْسَ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

اشکالی ندارد. من در خدمت تو هستم

- عَلَى الْيَمِينِ. **سمت راست**

حرم کجاست؟

- أَيْنَ الْحَرَمِ؟

- هَذِهِ الْجِهَةُ، عَلَى الْيَسَارِ.

این سمت. سمت چپ

آی جِهَة بلا ازدحام؟ کدام سمت بدون ازدحام است؟

- مِنْ أَيْنَ أَشْتَرِي شَاحِنَ الْجَوَّالِ؟ **کجا شارژر موبایل بخرم؟** - مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ.

از آن مغازه

- تَفَضَّلْ.

- أَيْمِكُنْ أَنْ تُعْطِينِي شَاحِنَ الْجَوَّالِ؟

بفرما

آیا امکان دارد که شارژر موبایل به من بدهی؟



یک روزنامه دیواری دربارهٔ معانی علائم راهنمایی و رانندگی به عربی، فارسی و انگلیسی تهیه کنید.

